مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

احمد ادریس رحمانی ۲۰۲۳/۰۱/۰۸

چرا تشنج پاکستان با طالبان خیلی مهم و قابل توجه است؟؟؟؟

کسانی که علاقمند دانش سیاست هستید ویا هم بررسی های ژرف سیاسی را دوست دارید این پست را حتما تا به اخر بخوانید.
طالبان در استانه یک تصمیم نهایت بزرگ تاریخی و سرنوشت ساز برای دولت خودشان قرار گرفته اند .اگر انها دولت پاکستان و امنیت پاکستان را به چالش بکشند به احتمال خیلی زیاد یکی از این دو تحول به وقوع خواهد پیوست:
تحول اول .پاکستان مجبور میشود مثل امریکایی ها افغانستان را مکمل اشغال کرده حکومت طالبان را سرنگون نماید و بجایش حکومت دست نشانده تعیین کند.
تحول دوم .یا هم طالبان با پاکستان در یک بازی قدرت دراز مدت و یک جنگ نا متعارف داخل خواهند شد که در نهایت باعث شکست اردوی پاکستان و شاید هم باعث تجزیه جغرافیاوی پاکستان گردد .
در نظر اول این دو گزینه ممکن برایتان خیلی منطقی معلوم نشود اما اگر به کمک دانش سیاست رفته و مساله را بازگشایی کنیم حتما متوجه عمق این مساله خواهید شد .
حال بیایید به جزییات این دو گزینه پرداخته و ببینیم که هر کدام ان برای مردم افغانستان و بقیه مردم منطقه چه ارمغانی ببار خواهد اورد .
برای فعلا فرض میکنیم که طالبان نشان خواهند داد که یک نیروی دست نشانده نیستند و عملا به چالش کشیدن پاکستان را روی دست خواهند گرفت .این یک فرضیه خیلی مهم است چون طالب ها در گذشته به شدت از پاکستان فرمان برداری کرده اند و الی موفقیت شان در ۲۱ اگست سال گذشته به شدت توسط پاکستان حمایت سیاسی و نظامی گردیدند .
کسانی که نوشته های مرا بعد از سقوط جمهورت دنبال کرده اند حتما بیاد دارند که من در رابطه به قدرتمند شدن طالبان دوسال پیش نوشتم که اگر به علم سیاست تکیه کنیم این قدرتمند شدن انها را تبدیل خواهد کرد به یک موجود جدید سیاسی .اکثر دوستان در انوقت گفتند که طالبان هیچ وقت از غلامی پاکستان دست نخواهند کشید.
اما چرا من فکر میکردم که ممکن است چنین نشود؟
اول خو کافیست به تاریخ چند سال قبل افغانستان مراجعه کنیم و ببینیم که مجاهدین چگونه بعد از به قدرت رسیدن حلقه غلامی و اطاعت پاکستان را از گردن بیرون کرده شروع کردند به چالش کشیدن پاکستان .حتی برای کسانی که دانش سیاست را مسلکی بلند نیستند کافیست همین تاریخ چند سال پیش را مرور کنند و به استناد ان مساله را بررسی کنند .مجاهدین خیلی بیشتر از طالبان دست پرورده های پاکستان بودند و خیلی بیشتر از طالبان از انها فرمان برداری میکردند اما به محض رسیدن به قدرت چیزیکه در علم سیاست به نام «پاور افیکت» یا تاثیر قدرت است کار خودش را کرد و انها را تبدیل کرد به یک موجود سیاسی به شدت مخالف با پاکستان .خیلی مخالف تر از ریس جمهور داود خان.
در دنیای سیاست این همیشه یک اصل است که تا وقتی شما به قدرت نرسیده اید شخص متفاوتی هستید که حتی خودتان هم ممکن از اصلیت واقعی سیاسی تان با خبر نباشید .اما به محض رسیدن به قدرت امکان ندارد که انسجام و استحکام پایه های اقتدار برایتان مهمتر از دیگر مسایل نگردد .پیش از ان ممکن هر چیزی بگویید - صدها تعهد بکنید - و ده ها موافقت نامه امضا بکنید اما به محض اینکه به قدرت برسید دیگر همه انها باد هوا میگردد چون برای انسان اولویت عمده حراست از اقتدار است .
طالبان هم از این امر مستثنا بوده نمیتوانند .
حال بیایید در روز های اینده ببینیم که چقدر این تیوری تاثیر قدرت در حصه طالبان هم صادق میماند. ما نمیتوانیم احتمال اینکه چنین نشود را برای فعلا کاملا رد کنیم .چون مشکل تیوری اینست که همیشه مانند قوانین طبیعت بصورت ۱۰۰ فیصد عمل نمیکند .در دنیای تیوری و علوم غیر طبیعی همیشه استثنا ها وجود دارند .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

به هر حال برگردیم به جزییات دو تحول و فرض کنیم که طالبان متاثر از افیکت قدرت شده اند و به احتمال خیلی زیاد با پاکستان در گیر خواهند شد. فراموش نکنید که تحولات یک سال اخیر به شدت اشاره به همین مسیر میکنند . در اینصورت پاکستان دو یا سه راهی بیش در پیش نخواهند داشت:
۱ .اینکه با مذاکره و دیپلوماسی کوشش کنند رهبری طالبان را مجبور به همکاری کنند .این. پروسه از همان روز های اول امدن طالبان به کابل جریان دارد .امدن خانم کهر یک از نکات بارز این پروسه بود .ولی دلیلی که من فکر میکنم این پروسه مذاکره و دیپلوماسی احتمالا نتیجه نخواهد داد اینست که: ۱. در عین زمان طالبان با طرف ها مخالف پاکستان هم در روابط تنگاتنگ داخل شده اند - ۲. طالبان در نهایت پشتون هستند و تاریخ گذشته مردم پشتون با پاکستان را نمیتوانند نا دیده بگیرند - ۳ .امریکایی ها با رها کردن انبوهی از اسلحه و مهمات موثریت «پاور افیکت» و یا هم تاثیر قدرت را بالای طالبان با ضریب در صد ضرب زده اند. - ۴ .احتمالا شیوه برخورد پاکستان با اهرم قدرت در افغانستان تغییر نکرده و با طالبان هم مثل بادار برخورد کرده اند (چنانکه در روز تعیین نمودن ریس الوزرا متوجه شدیم) و این شیوه برخورد هر افغانی را که در قدرت باشد در نهایت بر خواهد انگیخت - ۵ . یک تعداد زیاد رهبران طالبان در گذشته مورد تهدید اهانت و حتی شکنجه دولت پاکستان قرار گرفته اند و این همه خاطرات به زودی از بین نمی رود .خصوصا برای کسانی مثل پسر ملا عمر - ملا برادر و یا هم دیگر رهبرانیکه ممکن ما از جزییات اش با خبر نباشیم این مساله خیلی جدی است - ۶ .ایدیالوژی اسلام گرایی اساس اش اینست که تا تمام کشور ها به سیستم انها تبدیل به یک کشور اسلامی نشده اند ماموریت ختم شده به حساب نمی اید .حالی طالبان اگر نتوانند از این ایدیالوژی فاصله بگیرند بر اساس تفکر شان ماموریت دارند که بعد از اسلامی ساختن افغانستان بروند به سمت یک کشور دیگر تا انها را اسلامی بسازند - ۷. و ده ها دلیل دیگر که نمیشود همه انها را اینجا لیست کرد .
اگر گزینه مذاکره موفق شود احتمالا پاکستانی ها مجبور نخواهد شد به گزینه بعدی دست بزنند .اما نشانه ها حاکی از انست که احتمالا پاکستانی ها قبلا به گزینه بعدی هم دست زده اند .
گزینه بعدی چی است؟
۲ .پاکستان کوشش خواهد کرد تا برای طالبان پادزهر تولید کنند - دقیق مثل اینکه برای مجاهدین وقتی با انها در بازی قدرت دخیل شدند طالبان را تولید کردند .بهترین گزینه که در این مقطع یک کاندید قابل ملاحظه به حساب میاید داعش است .احتمالا پاکستانی ها کوشش خواهند کرد که داعش را تقویت کنند تا قدرت طالبان را به چالش بکشند . چند روز پیش من نوشتم که بسته کردن در های دانشگاه بر روی خانم ها به خاطری صورت گرفته است که احتمالا طالبان از حمایت پاکستان از داعش به هراس افتاده اند خصوصا وقتی ده ها قومندان و جنگنده طالب طی مراسمی از داعش بیعت کرد. من مطمین هستم که در این راستا پاکستانی ها حتا از جبهه مقاومت شمال هم حمایت خواهند کرد تا در پهلوی داعش قدرت طالبان را بیشتر به چالش بکشند .این مساله را هم چند ماه پیش من نوشته بودم که در همین صفحه موجود است و یک تعداد زیاد دوستان گفتند دقیق نیست. من هم بنا بر دست رسی نداشتن به حلقه تصمیم گیری جبهه مقاومت نمیتوانم دقت انرا بیشتر تاکید کنم ولی تنها با اتکا به دانش سیاست همینقدر میتوانم بگویم که اگر پاکستانی ها با جبهه مقاومت داخل همکاری نشوند از استثناعات بازی سیاست خواهد بود. به هر حال - اگر این گزینه دوم موفق شود احتمالا پاکستانی ها مجبور نخواهند بود به گزینه سومی دست بزنند
۳ .گزینه سومی این خواهد بود که پاکستان مجبور میشود تا با اردوی منظم و بزرگ اش افغانستان را اشغال کرده طالبان را از قدرت خلع نماید .احتمالا انها اینکار را تاوقتی نخواهند کرد که کارد به استخوان شان نرسیده باشد .اما وقتی ببینند که دولت موازی طالبان در پاکستان عملا جایگزین دولت اسلام اباد شده است و هر روز ده ها و صد ها تلفات نظامی میدهند در انصورت ناچار خواهند شد تا به افغانستان لشکر کشی کنند .اگر چنین روزی برسد که من احتمال اش را نسبتا عملی میبینم - اما با در نظر داشت وضعیت بد اقتصادی پاکستان نمیشود بالای ان خیلی تاکید کرد - در انصورت ما در منطقه یک تحول نهایت بزرگ و قابل عطف خواهیم داشت .احتمالا طالبان به شدت تحت حمایت کشور هایی مانند هندوستان و اسراییل قرار خواهند گرفت. احتمال دارد امریکایی ها در عین زمان هم طالبان و هم پاکستان را حمایت کنند تا به این شکل از هر دو انتقام ۲۰ سال جنگ را بگیرد. ممکن کشور های مانند عربستان سعودی و چین پاکستان را حمایت مالی و سیاسی کنند .احتمالا نیرو های مقاومت با بزرگترین چالش زمان شان روبر خواهند شد چون ناچار خواهند بود نشان بدهند که واقعا قدرت برایشان مهم است و یا هم استقلال و ازادی کشور. از همه مهمتر کشور های بزرگ منطقه مثل چین به شدت با یک چالش بزرگ در همسایه گی مواجه میشوند .اگر از پاکستان حمایت کنند نیرو های طالبان را یک شبه داخل یغورستان ساخته اند. اما اگر از پاکستان حمایت نکند و شکست نظامی و یا هم تجزیه جغرافیاوی یگانه کشور دوست خود را در همسایه گی نظاره کند در نهایت طالبانی که پاکستان را فتح کرده اند با سلاح هستوی به یک تهدید جدی در منطقه تبدیل خواهند شد .در انصورت احتمال دارد طالبان تنها به کشور های که در این بازی بزرگ حمایت شان کرده است تهدیدی بوجود نیاورند (حد اقل در کوتاه مدت) .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

این بحث چنان بزرگ است که اگر به جزییات بیشتر ان فعلا بپردازیم خیلی پیش از وقت خواهد بود و یک تعداد زیاد منتقدان را تشویق خواهد کرد که این بحث را به تمسخر بگیرند .ولی اگر دیدیم که واقعا زمان ابستن چنین یک تحولی شد .در همان وقت به تفسیر بیشتر این تحول خواهیم پرداخت .
قبل از اینکه به تحول دوم بپردازیم یک نکته دیگر را هم کوتاه اشاره میکنم و ان اینکه ممکن پاکستانی ها از ترس جان و یا هم از روی دست بندی اقتصادی هیچ کاری نکنند و پیوسته امیدوار بمانند که طالبان امروز تغییر خواهند کرد و یا هم فردا .اما برداشتی که من از طرز تفکر جنرالان پاکستانی دارم چنین یک گزینه یی کمتر محتمل است.
حال تحول دومی:
بیشتر وقتی میتواند به وقوع بپیوندد که پاکستان به گزینه یی سومی که در بالا ذکر کردیم نپردازد و تنها به دو گزینه اولی و دومی اکتفا کند.
در اینصورت انها عملا تن به یک جنگ غیر متعارف درازمدت داده اند که ممکن سال ها طول بکشد .این جنگ دقیق مثل جنگ مجاهدین در مقابل روس ها و یا هم جنگ طالبان در مقابل امریکایی ها خواهد بود .پاکستان ساعت را با خود خواهد داشت و طالبان زمان را .در نهایت طالبان چنین یک جنگی را خواهند برد .
به چه دلیل؟
۱ .تاریخ گواه است که جنگ های غیر متعارف همیشه ارتش های متعارف را به زانو در اورده است .به هیچ وجه نمیشود انتظار داشت که در چنین یک جنگی پاکستان بهتر از ارتش سرخ روسیه و یا هم ارتش تا دندان پیش رفته و مدرن امریکا عمل کند .به احتمال خیلی زیاد پاکستان چنین یک جنگی را در مقابل طالبان پشتون و بلوچ خواهد باخت .
۲ .ایدیالوژی اسلام گرایی طالبان از قبل در رگ رگ جامعه پاکستان خصوصا مردم های پشتون و بلوچ ان ریشه دوانده است. پاکستان به دلایل مختلف چنین یک ایدیالوژی را در طی چهل سال گذشته عمدا در اذهان مردم خود ته نشین ساخت .هزار ها هزار مدرسه های پاکستانی ناچار خواهند شد در بین اسلام - پیامبر - جهاد و ارزوی خلافت و از سوی دیگر بقای دولت پاکستان یکی را انتخاب کنند .نتیجه از قبل معلوم است طرفی را انتخاب خواهند کرد که بیشتر به نظر شان برنده معلوم شود .حتی اگر این جنگ صرف به اتکا با نیرو های اسلام گرای پشتون و بلوچ پیش برود باز هم اردوی پاکستان را ممکن است به شکست مواجه کند.
۳ .ورشکستی اقتصادی پاکستان که دلایل بنیادی دارد در این جنگ به شدت به نفع طالبان تمام خواهد شد .برای پاکستان خیلی مشکل خواهد بود که چنین یک جنگی را برای سال های متواتر بتوانند تمویل کنند مگر اینکه کشوری مثل عربستان سعودی پیوسته انرا تمویل کند .از قبل میدانیم که درهمین اواخر بیش از ۲۵ میلیون پاکستانی بر اثر سیلاب ها بی خانه و بی روزگار شد .
۴ .طبقه سیاسی و نخبه پاکستان به شدت به دو کته گوری اسلام گرا و سیکولار تقسیم شده است .اگر چنین یک جدالی برای چند سال دوام کند یک تعداد زیاد انها از روی عقیده و تفکر اسلامی با طالبان همکاری خواهند کرد چه در ساحه استخبارات باشد و چه هم در ساحه تقویت موقف سیاسی طالبان.
۵ .برای امریکا و اسراییل بهترین فرصت مهیا خواهد شد تا با استفاده از وضعیت پیش امده داخل عمل شده و پاکستان را خلع سلاح هسته یی کنند .اگر وضعیت به اینجا بکشد به احتمال اغلب نیروی های نظامی پاکستان هم با امریکایی ها و یا هم ممکن یک ایتلاف بین المللی همکاری نموده از به دست افتادن این سلاح ها بدست بنیاد گرا های مذهبی مثل طالبان جلوگیری نمایند. چنین یک هدفی که از دیر زمانی وجود داشته است خود باعث میشود تا امریکایی ها بصورت مخفی طالبان را کمک کنند تا زمینه به وجود بیاید و چنین یک رویکردی ممکن گردد .حال ممکن است به عوض امریکایی ها یک کشور دیگر مانند چین چنین کاری را بکند ولی در هر حال اتفاق خواهد افتاد.
۶ .نکته اخر هم اینکه پاکستان از قبل با چندین نیروی شورشی داخلی روبرو بوده است .این نیرو ها هنوز ها وجود دارند و منتظر یک فرصت هستند .گرچه بعضی از این نیرو ها ممکن با ایدیالوژی اسلام گرایی طالبان موافق نباشند اما هنوز هم برایشان منطقی به نظر خواهد امند تا باستفاده از فرصت انتقام سرکوب خودشان را طی دهه های گذشته از دولت پاکستان بگیرند .
باز هم به همینقدر استدلال اکتفا میکنیم و مگذاریم بقیه استدلال مخالف و موافق را به دوستانی که این بحث را تا اینجا د نبال کرده اند.
پیش از انکه این بحث را بسته کنیم . میخواهم بگویم که اگر این روند تا چند ماه دیگر توقف نیافت و تحولات بیشتر انکشاف یابند باید بپذیریم که طالبان عملا تبدیل شده اند به رهبران غیر مستقیم طالبان پاکستانی که در نهایت این بازی ممکن به تجزیه جغرافیاوی پاکستان بیانجامد .
اینکه چطور - باشد برای یک بحث دیگر در وقت و زمان اش.
اما برای فعلا یک نکته دیگر را هم لازم است تاکید کنم که ادامه چنین تحول دقیق مثل یک کاغذ لتمس نه تنها که اصلیت سیاسی طالبان را برملا خواهد ساخت بلکه نیرو های مخالف طالبان مثل جبهه مقاومت - مجاهدین سابق - و رهبران نظامی جمهوریت را هم به چالش میکشد .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

در رویا رویی سیاسی و نظامی طالبان با پاکستان جبهه مقاومت و دیگر مخالفان طالبان ناچار خواهند شد بین قدرت و مملکت یکی را انتخاب کند .اگر دولت را انتخاب کردند حتما در همکاری با پاکستان (حتی بصورت غیر مستقیم) طالبان را ضربه زده و انتقام خودشان را خواهند گرفت و در نهایت ممکن به قدرت برگردند .
اما اگر مملکت را انتخاب کردند ناچار میشوند از تمام انچه تابحال اتفاق افتاده است گذشته و با طالبان دست همکاری داده بروند به میدان جنگ با پاکستان.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ